

اقتصاد و سیاست

تاریخ شفاهی زندگی

علینقی عالیخانی

وزیر اقتصاد

رئیس دانشگاه تهران

به کوشش حسین دهباشی

شناسنامه

مجموعه تاریخ شفاهی و تصویری ایران معاصر (جلد ۴)

اقتصاد و امنیت

تاریخ شفاهی زندگی و آثار علینقی عالیخانی

مدیر پروژه: حسین دهباشی

مصاحبه‌کننده: حسین دهباشی

مدیر محتوایی: حسن بهشتی‌پور

مدیر مطالعات تکمیلی: احمد نجفی

برویراستاری: آرش حکمیان

مدیر طراحی: حبیب‌الله اسماعیلی

ویراستار: حسن بهشتی‌پور، فائزه رنجبران، حمیده عابدینی،

فاطمه علی‌زاده، زهرا انبوی، ریحانه هاشمی

پاورقی‌ها: حبیب‌الله اسماعیلی، حسن بهشتی‌پور، احمد پورنجاتی،

لاله جولایی، حمیده عابدینی، فاطمه علیزاده، زینب مرادی‌پور

اسناد و ضمیمه: معصومه آقا پور، سمیرا جاتمی‌زاده،

سمیرا دهباشی، مرضیه صادقی، حمیده بافر اهانی، سهند فردی،

چکیده انگلیسی: علیرضا شکوهی، مه‌یار احمد هاشمی

مدیر هنری: مهدی دوابی

صفحه‌آرا: پانته‌آ حاجی‌جمشیدی

ناظر چاپ: نصرت‌الله امیرآبادی

ناشر: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

چاپ و صحافی: سپهر

نوبت چاپ: اول، زمستان ۱۳۹۳

شمارگان: ۲۰۰۰ جلد

قیمت: ۳۵۰۰۰۰ تومان

غروب به شرق بزرگ‌راه شهید حقانی، بعد از ایستگاه مترو، بلوار کتابخانه ملی

تلفن فروشگاه: ۸۱۶۲۳۳۱۵، تلفن دفتر: ۸۱۶۲۳۳۰۱

فهرست

	پیشگفتار ناشر
	پیشگفتار مولف
۱	نوبت اول
۲۵	نوبت دوم
۵۳	نوبت سوم
۸۱	نوبت چهارم
۹۵	نوبت پنجم
۱۲۳	نوبت ششم
۱۴۹	نوبت هفتم
۱۷۹	نوبت هشتم
۲۱۱	نوبت نهم
۲۲۷	نوبت دهم
۲۵۱	نوبت یازدهم
۲۷۵	نوبت دوازدهم
۳۰۱	نوبت سیزدهم
۳۶۳	نوبت چهاردهم
۳۸۵	نوبت پانزدهم
۴۱۳	نوبت شانزدهم

۴۵۹	نوبت هفدهم
۴۷۱	نوبت هجدهم
۴۹۳	نوبت نوزدهم
۵۱۹	نوبت بیستم
۵۲۹	نوبت بیست و یکم
۵۵۵	نوبت بیست و دوم
۵۸۱	نوبت بیست و سوم
۶۰۵	نوبت بیست و چهارم
۶۲۱	استاد
۶۶۳	تصاویر
۶۷۱	اعلام
۷۲۰	Abstract
۷۲۶	Introduction

نه را عبرت‌های روزگار پیش رو آید، تقوی از افتادن در شبهه‌ها باز دارد»

امام علی (ع) - نهج البلاغه خطبه ۱۶

هرچه جهان پیوسته می‌رود، جوامع در هم فشرده‌تر می‌شود، ضرورت داشتن «فهم تاریخی» بیشتر می‌چشم می‌خورد، به درستی اکنون می‌گویند که پیشروی اندیشه‌های پیشرفت و تحقق توسعه همه‌جانبه و پایدار، بدون برخورداری از توان «مطالعات تاریخی» و «مطالعات تطبیقی» ناممکن است.

تاریخ اگرچه سرگذشت گذشتگان است اما خواندن بی‌فهمی مرده و بی‌جان نیست. در «فهم تاریخی» علاوه بر صورت زبانی و کلامی و اطلاعاتی که به زبان می‌آید و یا بر سطور و خطوط نقش می‌یابد، تأمل به سوی درک گفتمانی می‌رود که آن صورت زبانی نماینده برونی آن است. در «فهم تاریخی»، صورت زبانی هرچه باشد - گفته یا نگفته - به شبکه پیچیده اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به شمار می‌آید و مطالعه و گفتار یا نوشتار علاوه بر جمله و مضمون در بافت و موقعیت گفتمانی آن مورد توجه قرار می‌گیرد.

فهم «متون تاریخی» مستقل از «زمینه» و «گفتمان» آن ناقص و ناممکن است. متن، حاصل و نتیجه گفتمان است و به سخن دیگر گفتمان فرآیند و متن فرآورده آن است. گفتمان پویا و متن ایستاست. گفتمان بی مخاطب نمی‌تواند پیش رود و فهم متن در هر لحظه نیازمند مخاطبی است که توان «رمزگشایی» آن را یافته باشد. درواقع آن سوی هر متن تاریخی، مخاطبی قرار دارد که متن را می‌خواند و یا می‌شنود و فرض بر این است که او نیز مجهز به «توانش ارتباطی» هست و قابلیت‌های لازم برای شنیدن و یا خواندن متن را از ورای سالیان و قرون دارد؛ بنابراین باید گفت در «فهم تاریخی» توانش دریافتی خواننده یا شنونده حداقل

همسنگ توانش تولیدی نویسنده و یا گوینده است و در گفتمان تاریخی چگونگی تولید و سامان گرفتن یک متن -چه کتبی و چه شفاهی- از جانب تولید کننده و فرایند درک آن از جانب مخاطب به یک نسبت اهمیت دارند؛ «رمزگذار» و «رمزگشای متن» را باید همواره در کنار هم در نظر داشت.

با این نگاه، فاصله میان «زمان معاصر» و «زمان گذشته»، «تاریخ نگاران» و «متفکران علوم اجتماعی» و نهادها و سازمان‌های متولی امور اسنادی و تاریخی» و «نهادهای دست‌اندرکار امر توسعه» کمتر می‌شود و جامعه از مواجهه با تاریخی که بیشتر بازنمایی جنگ‌ها و منازعات سیاسی است به سوی وجوه اجتماعی و فرهنگی آن سوق پیدا می‌کند. در این صورت است که «تاریخ فرهنگی» و «تاریخ اجتماعی» با رویکردهای میان رشته‌ای، حوزه‌های اصلی علوم انسانی یعنی تاریخ و فرهنگ و علوم اجتماعی را با یکدیگر و در پیوند با هم می‌بینند و مورخان و نظریه‌پردازان حوزه‌های فکری و اجتماع همسایگان فکری خوبی برای همدیگر می‌شوند.

در نتیجه، شناسانه‌ای که قرآن کریم به «سیر انفسی و آفاقی» برای ارتقای مسلمانان دارد و دعوت عامی که به تامل در «سنت‌ها» و «عبرت‌ها» تاریخی و دینی به چشم می‌خورد، مسئولیت مضاعفی بر عهده دین‌پژوهان و «فهم تاریخی» در برابر ما می‌نهد و در این گونه «فهم تاریخی» گذشته‌ها چراغ راه آینده‌اند که باید آن‌ها را درست خواند و دقیق فهمید. عمیقاً باید کرد تا بتوان امروز و آینده‌ای بهتر بر پایه اشتباهات کمتر و تجربه‌های بیشتر بنا نهاد.

تاریخ معاصر ایران، به رغم حادثه‌نگاری‌های خبره‌نویسی‌های فراوان، هنوز چنانکه باید در گفتمان «فهم تاریخی» و مطالعات انتقادی تاریخی» جای نگرفته است. بازگویی، تکرار و تفسیرهای رخدادهای حوادث تاریخی معاصر، گاه با پیش‌فرض‌ها، تصورات کلی و قالبی، جهت‌گیری‌های سیاسی و نگاه‌های پسینی به وقایع پیشین، به با گریز از ورود به مسائل دشوار و پیچیده سیاسی همراه بوده است که نهایتاً به تحقیقات مرده و پیش‌پا افتاده تاریخی از سوی نهادها و مراکز پژوهشی رسمی بیشتر میدان و سروسامان داده است تا «مطالعات انتقادی تاریخ معاصر» حاصل این تاخیر و تأخر فرهنگی و علمی در زمینه‌های مطالعه و

نقل و نقد تاریخی آن شده است که در برخی موارد صورت زبانی تحولات جامعه ایرانی که بزرگترین انقلاب مردمی دهه‌های پایانی قرن بیستم را رقم زده است و به نام خدا به دنیای اندیشه سیاسی معاصر، ورودی اثرگذار داشته است، بیش از «خود» از سوی «دیگران» به میان آید و بحث مهم تاریخ معاصر ایران در قالب اسناد، تاریخ شفاهی و خاطرات، بوسه‌های گوناگون و دستگاه‌های رسمی و غیررسمی در خارج از ایران بیش از داخل کشور صورت مکتوب و مضبوط به خود بگیرد.

تاریخ شفاهی می‌باز من نیازها و ضرورت‌ها جایگاهی ویژه دارد، امروز فهم گفتگو و انتقادی تاریخ بدون اهتمام علمی به این بخش از مطالعات تاریخی ناممکن است. تاریخ شفاهی را نمی‌توان به مصاحبه یا محاکمه فروگاست. تاریخ شفاهی، نه‌ای از پژوهش‌های کیفی در باب مسائل تاریخی است که از قواعد این پژوهش‌ها در حوزه معرفت تاریخی پیروی می‌کند و طبیعتاً بیس از گونه صحبت و مذاکره بی‌هدف از جنس «گفتگو» است. در این نوع تحقیق نه به غم پیشینه نسبتاً طولانی‌اش در جهان، عمر بسیار کوتاهی در ایران داشته و باید به روش‌شناسی پژوهش و لوازم آن وفادار بود و پذیرفت که:

۱- محقق تاریخ شفاهی به اعتبار دغدغه و دانش و مهارت لازم بتواند با طرحی از پیش تعیین شده یافته‌های اجزای خود را در باب «فرد»، «نهاد» و یا «رخدادی» تاریخی در فرآیند گفتگو آزاد بین ذهنانی به تفصیل و تکمیل نزدیک کند و به وادی پراکنده کاری برآید که کاملاً نیفتند.

۲- مطالعات پیشینی و شواهد متقن در فرآیند تحقیق تاریخ شفاهی به حد پیش‌دوری‌ها و همسویی‌ها و ناهم‌سویی‌های نابجای محقق با متن بنشاند. ۳- پژوهش‌گری و پژوهش در این نوع تحقیق با «رخداده‌ها» سروکار ندارد، دستمایه او تعبیر کنش‌گران از وقایع و رویدادهاست، از این‌رو اساس کار تاریخ شفاهی در شمار «تاویل» و تفسیر است.

۴- تقللِ خاطرات کنش‌گران در رخدادهای تاریخی، چه آنجا که معطوف به «خود» است و چه مربوط به غیر، نهایتاً به میدان آوردن یک شاهد و سند است و نه بیشتر که به دانش بین‌الذهانی می‌افزاید ولی الزاماً مستند هر نقل و نقدی نمی‌شود. این وظیفه هر محقق است که برای تبدیل این سند و شاهد به مستندی معتبر در تاریخ شفاهی پژوهش‌های بعدی را سامان دهد و پروژه را در یک جا متوقف نسازد.

۵- در پیدایش هر متنی از تاریخ شفاهی، کنش‌گر در مقام «اطلاع‌رسان» است که کار محقق ثبت و ضبط بدون پیرایه و آرایه سخن و سند و تصویر اوست. پس از آن باید به دانش و توانش مخاطبان اعتنا کرد که امکان فهم‌ها و تعبیرهای متفاوت با گفتارها و نوشتارهای کنش‌گران را در تاریخ فراهم می‌کنند.

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران در فرآیند تکوین و توسعه خود، دامنه توجه به مطالعات تاریخی را به طور عام و تاریخ شفاهی را به طور خاص گسترده‌تر کرده است. سابقه کار در این حوزه به بهمن‌ماه سال ۱۳۷۱ برمی‌گردد که اداره‌ای به نام «آرشیو شفاهی» در مدیریت خدمات آرشیوی این نهاد آغاز به کار کرد و پس از آن کوشش شد تا بر پایه موضوع «افراد» «رخدادها» و «نهادها» موثر در تاریخ معاصر این مصاحبه‌های کارشناسانه به انجام رسد. حاصل کار تا کنون بیش از ۱۵۰۰ ساعت مصاحبه با ۶۲۰ شخصیت تاثیرگذار تاریخی است که بخشی از آن‌ها در قالب کتاب‌های مستقل یا فصل‌نامه گنجینه اسناد منتشر شده است؛ البته باید در این تلاش‌ها، برگزاری همایش‌ها، نشست‌ها و نمایشگاه‌های تخصصی در باب تاریخ شفاهی و نیز فراهم ساختن مقدمات تأسیس «پژوهشگاه ملی تاریخ شفاهی و تصویری ایران» را نیز افزود.

آنچه اینک پیش‌روست، بخشی از صوت دیگر در اهتمام به تاریخ شفاهی ایران است. «پروژه تاریخ شفاهی» در تصویری ایران در عصر پهلوی دوم که به همت پژوهشگری جوان و پرانرژی به انجام رسیده است. مهمترین و بزرگترین پروژه تاریخ شفاهی ایران در این مجموعه‌ای از ده‌ها گفتگوی پژوهشی با تصمیم‌سازان و بازیگران اصلی عصر پهلوی دوم است که پس از حدود ۱۴ سال پیگیری و تلاش در خلال صدها ساعت مصاحبه صوتی و تصویری و گردآوری دانه به دانه هزاران سند تاریخی گنجینه بی‌نظیر و دست‌اولی از تجارب، کامیابی‌ها و ناکامی‌های حکومت‌داری در ایران تبدیل شده است. در این مجموعه همکاری‌ها

و مساعدت‌های جمع بزرگی از پژوهشگران و ایران‌شناسان و مورخان فرهیخته در داخل و خارج از کشور با حمایت نهادهای معتبر فرهنگی و پژوهشی این مهم را میسر ساخته تا در قالب ۶۴ عنوان مصاحبه‌تفصیلی با مهمترین و تاثیرگذارترین کنش‌گران و تصمیم‌سازان سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی دوران پهلوی دوم تدوین شود.

بر طایفه این راه دشوار که برای نخستین بار فرزندان و علاقمندان انقلاب اسلامی ایران با خطر کردن و تحمل سختی‌های فراوان توانستند با حصص‌های موثر و تصمیم‌ساز حکومت گذشته از نزدیک به گفتگو بنشینند و به ثبت قطعی بخشی از خاطرات و روایت‌های آنان از وقایع و حوادث مهم ایران بپردازند، نقش متمه‌دانه و شجاعانه «حسین دهباشی» در خور توجه و تقدیر است. او در مقام پژوهشگری تحصیل کرده، جوان و صبور، وجوه نظریات خامه‌آمیزی را بر عافیت جویی و کناره‌گزینی ترجیح داد و برای پیشبرد این پروژه دشوار و پرخطر از زندگی آرام خود گذشت و داورهای شتابان هرگز بهانه جان خریدید تا نشان دهد که ظرف تاریخ و فهم و نقد تاریخی را به دست گرفتن از مصلحت‌اندیشی‌های روزمره دانست. درواقع این مجله پژوهش‌ساز می‌توان پاره‌ای از فرهنگ اسلامی و ایرانی در طول تاریخ دانست که در آن نه تنها سخنان مخالفان همواره شنیده شده بلکه به گونه‌ای در تاریخ نیز مانده است. در این میراث درخشان اسلامی، حق داور به جای گنجش‌گران به رهگذران و مخاطبان تاریخ سپرده شده است تا آنان سرانجام بر سره‌ها جدا سازند. پس این «سنت‌ها» و «عبرت‌های» تاریخی‌اند که نقد و عیار می‌گیرند نه واهمه از نقل‌ها و روایت‌های تاریخی بر این عیار.

در این پروژه نیز چنین پیش‌آمد که باب نقد بخش مهمی از تاریخ معاصر ایران گشوده شود تا جامعه امروز ما بتواند در پرتوی آن «فهم تاریخی» توان خویش را با درک اینکه چرا رژیم پهلوی در برابر انقلاب شکوهمند مردم ایران و معمار فقید آن حضرت امام خمینی (ره) فروپاشید و چرا باید فرومی‌پاشید مسئله مهم امروز ماست. تاریخ آموزگار جامعه است و باید در پرتوی دانش این معلم به قدرت نقد و فهم انتقادی در این باب و هر باب تازه دیگر دست یافت.

هر که نامخت از گذشت روزگار

نیز ناموزد ز هیچ آموزگار